

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

گوش کر

(از خاطرات گذشته)

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد
سر زلفش بدست غیر دیدم
ز خاک شهر کهنه چون برآیم
من از حسرت بخود صد پیچ خوردم
ز من گوئید آن کاکه جوان را
نداری پول یک پتو چکه در جیب
جهان بیدار گشت و مردم ما
به چوکی تا مقرر گشت مامور
که یک دم خانه ویرانه او
ندادم یک دوسه مهمانی اش من
کجا قصاب از قیمت فروشی
فضای کابل از بس پر ز خاک است

به خال هندویش ، جانم گرو شد
جهان در چشم من یک باره شو شد
ترا منزل، بتا در شهرنو شد
سرگیسوی تو تا چیه تو شد
کجا کرتی و دستارت گرو شد
مگر صرف قمار چکه پو شد
یکی بعد دگر افتاده خو شد
پی رشوت چنان در تگ و دو شد
مجلال خانه ای در شهرنو شد
مدیر شعبه در جانم ببو شد
ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
به چشمم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد

(کابل عزیز – اسد 1330 ش)